

ادامه حکایت شماره ۱۰ از حکیم سعدی

روی سیاه و بازنشستگی زغال



بهزاد توفیق‌پور

«یکی از شعرا پیش امیر دزدان رفت و ثنایی بر او بگفت. فرمود تا جامه از او بکنند و از ده به در کنند. مسکین، برهنه به سرما همی رفت. سگان در قفای وی افتادند. خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند، در زمین، یخ گرفته بود، عاجز شد. گفت: این چه حرامزاده مردمانند، سگ را گشاده‌اند و سنگ را بسته! امیر از غرقه بدید و بشنید و بخندید. گفت: ای حکیم! از من چیزی بخواه، گفت: جامه خود می‌خواهم اگر انعام فرمایی. امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان»

خُنگ آن قماربازی که بباخت هرچه بودش و بساخت واکسن خود، بزد آنچه بوده تویش در داخل اما بعضی‌ها که هر مایع بی‌رنگی را آب می‌پنداشتند، گفتند واکسن ایرانی آب است، واکسن چینی آب معدنی! و برای دریافت آب زردرنگ، سه نوبت آگهی دادند و نامه نوشتند و توییت زدند و پست گذاشتند. بعضی هم مثل آخر هفته‌ها در سد لتیان و اینها، تنی به آب زدند و رفتند آن سوی ارس تا واکسن «زر» دار دریافت کنند. بعضی دیگر هم بواشکی واکسن زدند اما دور دهانشان را پاک کردند و گفتند #واکسن_بخیرید. حتی دیده شده بعضی‌ها به ادب کهن پارسی علاقه‌مند شدند و سراغ ناصرخسروقیادیانی رفتند تا جایی که هم قیفا خالدون. در اینجا باید از فرصت استفاده کنم و درباره آنهایی که به یکی از اعضای دولت امریکا یا اروپا افتادند و التماس واکسن کردند، چیزی نگوییم. چون آن چیزی را که در ذهن من است اینجا نمی‌شود گفت. اما بالاخره با همان واکسن‌های ساخت ایران، آمار فوت کرونا صفر و تعداد مبتلایان دو رقمی شد و زغال (یا ذغال)، پیش از پایان زمستان، رسماً اعلام بازنشستگی کرد. تمت.

یک کلاغ چهل کلاغ



فیروزه کوهسینی

می‌گویند: با صفر شدن آمار فوتی‌های کرونا در ایران رئیس شرکت فایزر، درصد آب مقطر واکسن‌هایش را افزایش داده تا آمار مرگ و میر در امریکا را کاهش دهد!

می‌گویند: در انگلیس دستفروشی کنار گذر، سر چهارراه‌ها و خط متروی بیرنگام-لندن افزایش یافته، چرا که نیمی از کارمندان شبکه‌های خبری فارسی‌زبان بیکار شده‌اند!

می‌گویند: واکسن‌های وارداتی دولت قبل، پشت در گمرک نشسته و هنوز منتظرند fatf امضا شود تا به کشور وارد شوند!

می‌گویند: جاده جالوس در فراخوانی اعلام کرده، مسافر با هر دلیل (کار اداری در روز تعطیل، سرزدن به مادر بیمار، اطلاع نداشتن از ممنوعیت سفر به شهرهای قرمز...) را می‌پذیرد!

می‌گویند: محترمان ماسک‌ها و ضدعفونی‌کننده‌ها در ایران، محصولات خود را به دریا ریختند تا نفتکش‌های خارجی در حین در دیدن نفت از خلیج فارس، محصولات کرونایی را هم بردارند تا اگر شانس آوردند و توسط نیروهای ایرانی دستگیر نشدند و به مقصد رسیدند، دیگر وسط دریا از هم ماسک نذرند!

می‌گویند: با توجه به آمار بالای ابتلا به کرونا در امریکا قرار است، هویج، پرتقال، سیب و مواد اولیه سوپ، جزو میراث فرهنگی و در ردیف عتیقه‌جات به حساب آید، بنابراین اگر بدون مجوز قانونی در خانه کسی پیدا شود، ضبط شده و دارندگان آن نیز جریمه فیزیکی خواهند شد!

می‌گویند: امریکا آنقدر در علم پیشرفت کرده که توانسته در همان یک ماه اول بعد از شیوع کرونا آمار فوتی‌هایش را به صفر برساند اما برای اینکه توسط کشورهای دیگر چشم‌نخورده کشته‌های سپاه‌پوستانش را به‌عنوان آمار فوتی‌های کرونایی اعلام کرده است!

سلبریتی لال



فهیمة انوری

«آفرین بر دل نرم تو که از بهر ثواب» بیشتر از خود ما، هست تمام تو کباب کودکت آن‌ور آب آمده دنیا، احسنت! تا که آلوده پوشک نشود این‌ور آب از غم ماست که زردی و از این روست که تو می‌زنی بر همه جای دو برابر، سرخاب تا کنی اوج غم خویش، به «ساسی» ابراز زده‌ای پایون مشکلی و گشتی جذاب ساکتی؟ صفر شد آمار کووید! یا خبری؟ یاد دارم چقدر چیغ کشیدی و عذاب هی! الو! حضرت فریاد! سلبریتی جان! رفته‌ای ثانی‌ای تا بروی دست به آب؟ پس کجایی؟ تو که بیلبلیک بیجت سبز است زنده‌ای؟ از کرونا بی‌خبری؟ هستی خواب؟ آن قدر چیغ زد آن حجره‌ات، بی‌موقع لال گشته‌ست به وقت زدن حرف حساب از فضا آمده‌ای! خاصی و شادی و عجیب می‌شدی کاش سوی مبدأ و اصلت پرتاب

شکست خفت بار از کرونا



زهرا فرزانی

دیگر رسیده به ته این دیگ کفگیرم پایان گرفته همزمان امید و تدبیرم گرچه هزاران کشته در این سال‌ها دادیم اما «کروناز» است از ویروس، تعبیرم انگار بوده زادگاهش کاسه سوپی لعنت به خفاشی که کرد از زندگی سیرم ضد عفونی، دستکش، همراه شیلد و ماسک شد چشم مردم خیره از این حجم تغییرم از آسترازنکا و فایزر تا به سینوفارم دنیا شده واکسینه، من سرگرم تقطیرم! جاستین تروود خواهشاً ننداز ما را دور! جذاب زیبای جوان، رحمی! که من پیرم

روزی حدود بیست متروپل خسارت داشت عضو اف ای تی اف نبود! چیست تقصیرم؟ بود آخرین اخطار، این چیغ بنفش من «واکسن بخور» تا درنیاید باز آئیرم بعدش فجایزی پر شد از «هشنگ زن واکسن!» دست خودم که نیست، یک مقدار جوگیرم حالا منم مثل جهان درگیر بیماری وقتی سرم خورده به سنگ و همچنین تیرم باور ندارم که شکستش داده است ایران در پیک بعدی کرونا بنده می‌میرم افسوس حتی در خصوصت بخت‌یارم! نیست او مرغ طوفان بود، من هم مرغ انجیرم

چگونه آمار کرونا پایین آمده

اگر بمیری، می‌کشمت



محمدرضا رشیدی

سلام بینندگان عزیز و راستی جوی ایران اینترنشنال. همونطور که شنیدید مقامات ایرانی ادعا می‌کنند که تونستن کرونا رو در کشور مهار کنن و حتی آمار فوتی‌های این بیماری رو به صفر برسونن. به همین مناسبت در خدمت کارشناس با تجربه‌مون هستیم که علاوه بر سواد علمی بالا در حوزه پزشکی و سیاسی، اطلاعات دقیق و دست‌اولی هم از داخل ایران دارند. جناب دکتر خالدمسعود بن آل عزیز عزیز، تحلیلتون رو درمورد وضعیت کرونا در کشور ایران بفرمایید.

من هم سلام عرض می‌کنم خدمت شما و مخاطباتون. ببینید شاید فکر کنید این کاهش آمار کرونا در ایران دروغه و آمارسازی، ولی اتفاقاً من می‌خوام بگم این آمار کاملاً درسته، منتها...

جناب دکتر من احساس می‌کنم تماس‌تون می‌خواد قطع بشه، آیا حدم درسته؟

نخیر غلط کردی، یعنی حدست غلطه. حرفم به توضیح داره که اگه دو دقیقه اجازه بدید، می‌گم. درسته که آمار ابتلا و فوتی‌های کرونا در ایران پایین اومده، ولی سؤال اینجاست که چطور پایین اومده؟

من از داخل ایران اطلاعات موثقی دارم که جمهوری اسلامی به‌زور و با ارباب و تهدید، مردم رو از ابتلا به کرونا منع کرده، یعنی حتی شهروندان ایرانی در بیمارستان هم آزادی ندارند.

مثلاً مسئولان در تمام ادارات بخشنامه کردن که اگه کارمندی به کرونا مبتلا بشه، علاوه بر تعلیق خدمت، حق پوشیدن دمپایی

لانگشتی در محیط اداره از سلب می‌شه. اموالش هم مصادره می‌شه و خودش هم به مناطق بد آب و هوا تبعید می‌شه. همچنین سیستمش هم تا آخر عمر وصل می‌مونه و دیگه هیچ وقت نمی‌تونه به کسی بگه سیستم قطع.

یا در مدارس دستور دادن که دانش‌آموزان مبتلا به کرونا فلک بشن و تمام نمراتشون هم صفر بشه و مجبور باشن یک سال دیگه هم همون مقطع رو بخونن. همچنین حق خرید ساندویچ کالباس و تخم‌مرغ از بوفه مدرسه هم از شون سلب می‌شه و از اون بدتر اینکه حق شرکت در اردو هم ندارند. تازه در تمام مدت تابستون هم باید بیان مدرسه و به‌طور رایگان سنگ بشکنن.

در عروسی‌ها اگر کسی مبتلا بشه، تا آخر عمر در هر عروسی که شرکت کنه از خوردن زله به همراه غذا محروم می‌شه و تازه غذا رو هم بدون نوشابه بهش می‌دن. در ضمن تا آخر مراسم حق نذاره از جاش بلند بشه، باید مثل مجسمه روی صندلی بشینه و زمین رو نگاه کنه.

هرکس هم که به‌خاطر کرونا بمیره، به سه‌بار اعدام محکوم می‌شه. پس می‌بینیم که جمهوری اسلامی با ترسوندن مردم اون‌ها رو محدود کرده و نمی‌ذاره آزادانه کرونا بگیرن. اگه سوآلی هست من در خدمتم.

منمون دکنر عزیز، نه واقعاً سوآلی نمی‌مونه و از جمهوری اسلامی همچنین مواردی اصلاً بعید نیست. ضمن خداحافظی با دکتر، امیدواریم بزودی تمام ایرانی‌ها آزادانه کرونا بگیرن و اجازه ندن حکومت حق بیمار شدن رو از اون‌ها بگیره.

